

268-134

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 268

Date of filing: 16/5/90

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of Mr Holtzmann  
- Date 16 may 90  
\_\_\_\_\_ pages in English 15 pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

SEPARATE OPINION

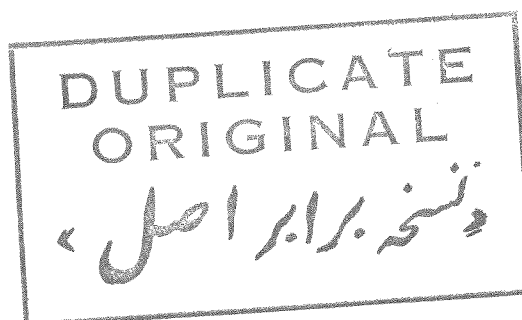
Case No. 268

Chamber One

پرونده شماره ۲۶۸

شعبه یک

حکم شماره ۱-۲۶۸-۴۷۴



IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعوى ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	16 MAY 1990
	تاریخ ۱۳۶۹ / ۲ / ۲۶

رابت آر. شات،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

وزارت معادن و صنایع ایران،

وزارت مسکن و شهرسازی ایران،

پاسداران انقلاب ایران،

بانک مرکزی،

خواندگان.

English version
Filed on <u>14 MAR 1990</u>
نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۸ / ۱۲ / ۲۴ ثبت شده است.

---

 نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمان
 

---

یک

۱ - در حکم صادر در این پرونده نظر داده شده که "تردیدى نیست" که خواهان، که یک مدیر بازرگانی بوده، کلکسیونى از فرشها و عتیقه ایرانی در تهران داشته است. معینا حکم از دادن غرامت بابت از دست رفتن این اموال امتناع کرده است.

اکثریت دلایل مختلفی ذکر کرده ولی ظاهراً" نظرش روی این نکته متمرکز است که دلیل کافی وجود ندارد که پاسداران انقلاب کلکسیون را از انباری که خواهان به امانت سپرده بود برداشته باشند. من با این نظر مخالفم زیرا معتقدم که برای ضبط ادله قانع کننده‌ای وجود دارد که طبق حقوق بین‌الملل و تصمیماتی که دیوان قبلاً" در پرونده‌های مشابه گرفته دولت ایران باید مسئول آن قلمداد شود.

۲ - در سنجش ادله ضبط مورد بحث در این پرونده، ابتدا باید از شهادت پسر خواهان، آقای رابرت شات جونیور، آغاز کرد. شرحی که وی از وقایع داده کاملاً" روشن و قانع کننده است. بحثی نیست که پسر آقای شات، که در یک شرکت تابعه جنرال الکتریک در ایران به عنوان مدیر بازرگانی استخدام شده بود، چند ماه پس از آنکه خانواده‌اش در آغاز انقلاب اسلامی ایران را ترک کرد، برای بسته بندی و حمل اثاثه خانه و کلکسیون فرش و عتیقه پدر خود به ایران مراجعت نمود. وی تعریف می‌کند که موفق شد شش صندوق اثاثه عادی خانه را حمل کند ولی مقامات دولت ایران مانع شدند که وی فرشها و عتیقه‌ها را که در دو صندوق بزرگ دیگر بسته‌بندی شده بود حمل کند. وی اظهار می‌دارد که پس از مواجهه با این مشکل، شخصاً" صندوقها را در انباری که در اختیار الکترو مکانیکال سرویسز کامپنی ("امسکو")، شریک جنرال الکتریک کامپنی، بود گذاشت. به کارمندان امریکایی جنرال الکتریک اجازه داده شده بود هنگامی که در اوضاع آشفتة انقلابی، ایران را به عجله ترک می‌کنند اموال شخصی خود را در این انبار به امانت بگذارند. باتوجه به این وضع، که جنرال الکتریک من غیر رسم نیازهای کارمندان خود را مرتفع می‌کرد، پسر آقای شات رسیدی را که به صورت معمول از یک انبار تجاری می‌گرفت دریافت نکرد. اظهارات آقای شات در دو شهادتنامه به قید سوگند مندرج است و خود وی نیز در جلسه استماع تجربه خود را به تفصیل بیان کرد و به سؤالات وکیل خواندگان و داوران دیوان پاسخ داد. به نظر من، وی شاهدهی همگون گوی، باور پذیر و قانع کننده بود.

۳ - شهادت پسر آقای شات مبنی بر اینکه دو صندوق حاوی فرش و عتیقه در انبار امسکو گذاشته شده بود با شهادتنامه آقای ویلیام لهفلت، معاون جنرال الکتريک کامپنی، که انبار در ابوابجمعی وی بوده، کاملا" تأیید می‌شود. هرچند آقای لهفلت قبل از اینکه آقای شات صندوقها را در انبار بگذارد از ایران رفته بود، مع هذا وی شهادت داده که بوسیله تلفن "تماسهای روزانه خود را با کارمندانی که در ایران باقی مانده بودند" حفظ کرده بود. وی اظهار می‌دارد که از جمله اشخاصی که با آنها صحبت کرده "سرپرستان ایرانی مسئول انبارهای امسکو" بوده‌اند. شهادت وی درباره ضبط اموال توسط پاسداران انقلاب صراحت دارد:

ضمن یکی از این مکالمات در اواخر سال ۱۹۷۹، اطلاع حاصل کردم که پاسداران انقلاب اسلامی ایران انبار امسکو را ضبط و در بین سایر اشیاء، چندین صندوق چوبی مهر و موم شده حاوی اثاثه‌ای که توسط رابرت بی. شات به یکی از انبارها سپرده شده بود، پیدا کرده‌اند. به من گفته شد که پاسداران انقلاب این صندوقها را (ضمن بسیاری صندوقهای دیگر) باز کرده و متوجه شدند که حاوی اشیاء عتیقه ایرانی و اشیاء قیمتی دیگر است و صندوقها و محتویات آنها را ضبط کردند.

۴ - باتوجه به این اظهارات در شرح مکالمه‌ای که آقای لهفلت شخصا" در آن شرکت داشته، درک این مطلب دشوار است که حکم چگونه می‌تواند ادعا را رد کند به این دلیل که "شهادت آقای لهفلت درباره انبار شدن اشیاء، اشغال انبار توسط پاسداران انقلاب یا مصادره اشیاء، شهادت مستقیم نیست" (بند ۵۷ حکم). حکم با اظهار این مطلب که "از آنجا که آقای لهفلت در آن زمان دیگر در ایران نبود"، به نظر دیوان اظهارات وی ارزش اثباتی چندانی ندارد، خواسته است شهادت آقای لهفلت را بازهم کم ارزش تر جلوه دهد (بند ۵۷ حکم). در واقع شهادت آقای لهفلت در این اوضاع و احوال محکم‌ترین ادله موجود است. اینکه آقای لهفلت، مانند اغلب امریکاییان دیگر، در نتیجه اوضاع خطرناک، ایران را ترک کرده بود چیزی از اهمیت اطلاعاتی که دریافت کرده نمی‌کاهد. نکته اصلی این است که آقای لهفلت پس از

ترک ایران بوسیله تلفن از جریاناتی که در اموال جنرال الکتریک در ایران می‌گذشت اطلاع داشته است. شهادت وی به قید سوگند مبنی بر داشتن تماسهای تلفنی، هرچند موید نیست ولی قابل قبول بوده و تکذیب نشده است. دیوان در سایر پرونده‌ها احکامی بر مبنای مدارکی، "هرچند تأیید نشده اما قانع کننده" در شرایط انقلابی صادر کرده و توضیح داده است که "تحصیل ادله تأییدی از کسانی که ممکن است شاهد رویدادهای موصوف بوده باشند کاری آشکارا مشکل است". بند ۳۳ حکم شماره ۱-۱۰۵۱۴-۳۶ مورخ ۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۲۰ آوریل ۱۹۸۸] صادره در پرونده لئونارد و میویس دیلی و جمهوری اسلامی ایران چاپ شده در 18 Iran-U.S. C.T.R. 232,242. در پرونده حاضر خواهان دقیقاً با چنین مشکلی روبرو بوده است بدین معنی که برای یک امریکایی، یافتن و ثبت اظهارات شاهد عینی وقوع سلب مالکیت در ایران، در اواخر سال ۱۹۷۹ یعنی در همان برهه‌ای از زمان که بحران گروگانها رخ داد، تقریباً غیرممکن بود. در چنین اوضاع و احوالی، شهادت آقای له‌فلت که مبتنی بر مکالمه تلفنی و حاوی شرح مفصل و قانع کننده‌ای است، دلیلی کافی است تا بتوان نظر به وقوع ضبط اموال در این پرونده داد. همانطور که قاضی سرمایکل ماستیل و استوارد بوید، کیو. سی. در رساله برجسته خود درباره داوری اظهار داشته‌اند، مواردی وجود دارد که در آنها "بدشانشی‌هایی که گریبانگیر طرفی می‌شود" نوع مدارکی را که می‌توان ارائه داد محدود می‌کند و در چنین مواردی از داوران انتظار می‌رود که "به اقتضای شرایط، همه کوشش خود را معمول دارند و از جمله آن شرایط نوع مدارکی است که طرفین می‌توانند ارائه دهند".

M. Mustill & S. Boyd, Commercial Arbitration 509-510 (2d ed. 1989).

کمبود استدلال‌ها ناچیز خوانندگان در مقام دفاع سنجید که بسیاری از آنها را اکثریت پذیرفت. برای مثال حکم در کوشش دیگری برای ایجاد تردید در شهادت آقای له‌فلت می‌گوید که (آقای له‌فلت) در شهادت خود راجع به مصادره اشیاء عتیقه شات "منبع اطلاعات خود را مشخص نکرده است" (بند ۵۷ حکم). برعکس آقای له‌فلت منابع اطلاعاتی خود را که با آنها صحبت کرده به عنوان "سرپرستان ایرانی مسئول انبارهای امسکو" توصیف کرده است. نامبرده فقط از بردن نام آن اشخاص خودداری کرده زیرا همانطور که در حکم اشاره شده: وی "از افشای نام کارمند امسکو که فعالیت‌های پاسداران را گزارش کرده بود ابا داشت زیرا نگران آن بود که مبدا مزاحمتی برای آن کارمند ایجاد شود" (بند ۵۷ حکم). اظهارات آقای له‌فلت باتوجه به زمینه رویدادها به اندازه کافی دقت دارد که قابل قبول باشد.

۶ - دقت اطلاعاتی که آقای له‌فلت بوسیله تلفن دریافت کرده حداقل جزئا" با نامه‌ای که دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ("بیلز")، که سازمان دولتی ایران و مسئول طرح دعاوی در دیوان است، در ۱۹۸۳ به خواهان نوشته تأیید می‌شود. در نامه اشاره شده که:

طبق پاسخ واصله از وزارت سپاه پاسداران انقلاب، در زمان تحویل انبار شرکت خدمات الکترومکانیکی، اموال مورد ادعای شما در انبار نبود.

هرچند این نامه منکر آن است که سپاه پاسداران اموال آقای شات را ضبط کرده ولی اظهارات آقای له‌فلت را مبنی بر اینکه پاسداران انقلاب انبار امسکو را اشغال کردند رسماً تأیید می‌کند. سپاه پاسداران (که در حکم به عنوان "وزارت سپاه پاسداران" یا "وزارت سپاه" به آن اشاره شده) برای تکذیب این اعتراف زیان بار بعد از آن شهادتنامه‌ای از طرف یکی از اعضای خود ارائه داد مبنی بر اینکه انبار شرکت خدمات الکترومکانیکی "در بین انبارهایی که من و قسمت تحت مسئولیتم اجاره

یا خریداری کردیم و یا از طریق وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی مجوز استفاده موقت گرفتیم نبود". (سند ۹۷ پیوست ۹ بند ۶)، همانطور که حکم متذکر شده، وزارت سپاه حتی وجود انبار مورد بحث را انکار کرده است. (بند ۶۰ حکم). درواقع، وزارتخانه مزبور قدمی فراتر رفته و اظهار می‌دارد که "اساساً" شرکتی به نام شرکت خدمات الکتریکی و مکانیکی وجود نداشته است" (سند شماره ۹۷ - صفحه ۹). باتوجه به کلیه مدارک دیگر و لوایح قبلی خود سپاه پاسداران انکار امسکو یا انبارهای آن حتی آنقدر دور از حقیقت و افراطی است که برای این دفاع نباید ارزشی قایل شد. معهداً حکم می‌گوید که وجود انبار امسکو که بیلز در نامه خود به خواهان اذعان کرده در پرونده حاضر، یکی از "واقعیات متنازع فیه" است (بند ۶۰ حکم) و "باتوجه به این واقعیات متنازع‌فیه، دیوان نمی‌تواند درباره این مسأله که آیا انبار ضبط شده است یا خیر اعلام نظر کند." (بند ۶۰ حکم). ظاهراً اکثریت خود از این بی‌پروایی احساس خجلت دارد زیرا در همان جمله بعد حکم می‌گوید که "دره‌حال، دیوان براین نظر است که باتوجه به نتیجه‌گیریهای فوق"، یعنی نتیجه‌گیریهای حکم مبنی بر اینکه اشیاء عتیقه به انبار سپرده شده و مصادره نشده است، "اخذ تصمیم درباره این مسأله ضرورت ندارد" (بند ۶۰ حکم).

۷ - حکم در کوشش خود برای افزودن به وزن یا حداقل به حجم آن نتیجه‌گیریها، یک رشته نظرات مختلف درباره موضوعات دیگر را ارائه می‌دهد که اغلب بی‌ارتباط به موضوع بوده و هیچکدام قانع‌کننده نیست. کافی است که فقط چند مورد از آنها ذکر شود. حکم به دو طریق سعی می‌کند که از اعتبار پسر آقای شات بکاهد. پسر آقای شات شهادت داد که موفق شد شش عدد از صندوقهای محتوی ائانه خانه را به خارج از ایران حمل کند. حکم می‌گوید که "هیچ دلیلی مانند اسناد حمل وجود ندارد که نشان دهد شش صندوق حاوی ائانه منزل واقعا" صادر شدند (بند ۵۷ حکم). چون بابت شش صندوق مزبور ادعایی نشده معلوم نیست چرا خواهان باید اسناد حمل مربوط به آنها را ارائه می‌داد یا اینکه چگونه دیوان منطقا" می‌تواند از این تصمیم

معقول وی که نخواست پرونده را با اینگونه اسناد نامربوط شلوغ کند استنباط خلاف نماید. به همین نحو حکم توضیح پسر آقای شات را مبنی بر اینکه شخصی به نام آقای داروغی در حمل اشیاء به وی کمک کرده مورد تردید قرار داده متذکر می‌شود که "هیچ دلیل دیگری وجود ندارد که نشان دهد آقای داروغی واقعا" به پسر آقای شات کمک کرده است" (بند ۵۷ حکم). اینکه آیا آقای داروغی به پسر آقای شات کمک کرده یا خیر ارتباطی به اصل موضوع که آیا پاسداران انقلاب صندوقها را در انبار امسکو ضبط کردند یا خیر ندارد. کار آقای داروغی در راهنمایی آقای شات از لحاظ روش حمل مدتها قبل از آن موقع تمام شده بود. تنها موضوع مربوط به آقای داروغی بحث جنبی بی‌اهمیتی است درباره اینکه آیا ظاهرا" طبق تصور پسر آقای شات وی در استخدام اداره گمرک ایران بوده و سمتی داشته یا آنطور که خوانندگان اظهار می‌دارند چنین سمتی نداشت. ولی این موضوع نیز بی‌ارتباط است و به زحمت می‌توان درک کرد که "دلایل دیگری" مربوط به کمک آقای داروغی چه ارزشی می‌داشت و یا از نبودن آن کمک چه چیزی قابل استنباط می‌بود.

۸ - اکثریت چنان در بی‌اعتبار کردن مدارک خواهان عزم جزم کرده بود که حتی سعی می‌کند واقعیات مسلم را هم دست کم گیرد. بدینترتیب حکم اذعان دارد که "ظاهرا" تردیدی نیست که شات فرشهای ایرانی و سرامیک و شیشه آلات عتیقه جمع‌آوری می‌کرده است". (بند ۵۵ حکم) ولی اکثریت سپس اعلام می‌کند که "غیر از اظهارات مندرج در شهادتنامه‌ها، هیچ مدرکی در پرونده وجود ندارد که نشان دهد اشیاء مذکور وجود خارجی داشته... هیچ صورتحسابی بابت اشیاء خریداری شده توسط شات... ارائه نشده است". (بند ۶۱ حکم). این مطلب به این مفهوم است که آقای شات در صورتی می‌توانست در ادعای سلب مالکیت فائق شود که صورتحسابهای اشیایی را که از سی سال قبل از ترک ایران خریداری کرده بود حفظ می‌کرد. اشاره به اینکه به این دلیل در مالکیت آقای شات نسبت به عتیقه‌ها می‌توان تردید کرد نه تنها غیرمنصفانه است، بلکه با نظر قبلی حکم مبنی بر اینکه شات عتیقه



ایرانی جمع آوری می کرده نیز تناقض دارد. همانطور که حکم به درستی متذکر می شود، این نظر با شهادتنامه های افرادی که "بارها به خانه وی در تهران که کلکسیون او در آنجا در معرض دید قرار داشت رفته بودند" تائید می شود (بند ۵۵ حکم).

۹ - اکثریت همچنین سعی می کند که به اعتبار شهادت کارشناس خواهان درباره موضوع ارزشیابی لطمه وارد کند. حکم می گوید بین ارزشیابی های آقای ربیع سلیمانی کارشناس (عتیقه) و برآورد خود خواهان "مغایرت های قابل ملاحظه ای" وجود دارد (بند ۶۱ حکم). این مغایرت لزوماً "تعجب ندارد. شات در دادخواست خود ارزش اشیاء عتیقه را در ۱۹۷۸ براساس اطلاع شخصی و آنچه که از سال ۱۹۴۸ برای آنها پرداخته بود تعیین کرده است. ارزشیابی شاهد خیره آقای شات، که یک بازرگان عتیقه است، ارزیابی آگاهانه تری از ارزش بازار این عتیقه ها در زمان صادره می باشد. ولی اعم از آنکه "مغایرت قابل ملاحظه" این ارزشیابیها بدین صورت موجه بوده یا نبوده باشد، بحث اکثریت درباره آنها جایز نیست. حکم اذعان می کند که "بررسی برآوردهای مختلف از ارزش کلکسیون عتیقه شات ضرورت ندارد" (بند ۶۱ حکم)، سپس خود عیناً "همین موضوع را مورد بررسی قرار می دهد.

۱۰ - حکم همچنین با تحریف مدارک به اعتبار آقای سلیمانی حمله می کند. اکثریت می گوید که "آقای سلیمانی اشیاء را بدون آنکه دیده باشد ارزیابی کرده که در این حرفه خاص کاری غیر عادی است" (بند ۶۱ حکم). هرچند آشکارا واقعیت دارد که آقای سلیمانی در زمانی که ارزیابی خود را تسلیم کرد، به اشیاء صادره شده دسترسی نداشته است، حائز اهمیت است که توضیح آقای شات در نظر گرفته شود که آقای سلیمانی "برخی از اقلام موجود در لیست را به من فروخته" و کلیه اقلامی که آقای سلیمانی ارزیابی کرده از همان گالری که وی در آن کار می کرده خریداری شده است.

۱۱ - حکم با دادن این نظر که شرح خواهان از فرشهایش با شرحی که پسرش می دهد تناقض دارد، بازهم سعی می کند که اعتبار گفته های خواهان را مورد تردید قرار دهد. خواهان در شهادتنامه خود اشعار داشته که ۳۵ قطعه فرش که بابت آنها غرامت مطالبه کرده "اغلب ۱/۲ × ۲ متر و ترکمن قفقازی و بافت دهات آذربایجان بوده است". هنگامی که در جلسه استماع از نامبرده سؤال شد که آیا گلیم هم جزء کلکسیون وی بود خواهان پاسخ داد که در خانه وی در تهران گلیم وجود داشته ولی آنها جزء کلکسیون همسرش بود و جزء ۳۵ قطعه فرش که بابت آنها غرامت مطالبه کرده نبود. در جلسه استماع مدتی بعد از پسر خواهان در مورد فرشهایی که وی در دو صندوق بزرگ بسته بندی کرده و در انبار امسکو سپرده بود سؤال شد. پسر آقای شات پاسخ داد که به خاطر می آورد که در میان ۳۵ قطعه فرش، چهار یا پنج گلیم وجود داشت. حکم در شرح اختلاف بین آنچه که دو فرد نامبرده در مورد تعداد نسبتاً جزئی فرشهای گم شده به خاطر می آورند می گوید که اظهارات آقای شات با گفته پسرش "تناقض" دارد (بند ۶۱ حکم). استفاده از کلمه "تناقض" ظاهراً به این منظور بود که خواهان را به طور کلی غیر قابل اعتماد جلوه دهد. به نظر اکثریت این "تناقض" حائز اهمیت است زیرا همانطور که دیوان اشاره می کند، "گلیم ارزان ترین نوع فرش است" (همان مأخذ). اکثریت توضیح نمی دهد که بر چه مبنایی این واقعیت ادعایی را بدیهی می داند. هیچ مدرکی در مورد ارزش گلیم در پرونده وجود ندارد.

۱۲ - بالاخره حکم از روی بی انصافی می گوید که اظهارات پسر شات راجع به چگونگی سپردن اشیاء عتیقه به انبار امسکو، با مندرجات نامه ای که پدر وی درباره موضوع کاملاً متفاوتی به بانک ایرانیان نوشته تضعیف می شود. این نامه بعد از آنکه آقای شات، خواهان، مجبور شد ایران را ترک کند و هنگامی که متوجه شد که نمی تواند مراجعت نماید نوشته شد. منظور از ارسال آن نامه این بود که بانک را، که مدت نه سال کارفرمای خواهان بود، ترغیب کند مدارک مالی و اثاثه شخصی وی را که در

دفتر کارش باقی گذارده و همچنین مقداری از وجوهی را که در حسابهایش باقی مانده بود برای وی ارسال دارد. شخصی که آقای شات نامه را به عنوان او نوشت کسی بود که بعد از انقلاب به مدیریت بانک منصوب شده بود و بدینترتیب خواهان خود را در موقعیت نامناسبی می‌دید که بناچار از مدیریت جدید بانک درخواست محبت کند. بنابراین جای شگفتی نیست که نامه لحن سپاسگزارانه دارد و [می‌گوید] از بانک "بابت کمکهایش به پسر رابرت بی شات که اخیراً برای انجام ترتیبات حمل ائانه شخصی ما به آتن در ایران بود، تشکر [می‌کنم]". حکم به جای آنکه موقعیت دشواری را که آقای شات داشته درک کند، نزاکت وی را به عنوان حربه‌ای علیه وی به کار می‌برد و [می‌گوید] "دیوان ملاحظه می‌کند که هرچند شات از بانک تشکر کرده که ... به پسرش کمک کرده اما ذکری از کوشش یا عدم موفقیت اقدامات صدور کلکسیون عتیقه به عمل نیاورده و اصولاً در آن نامه ذکری از کلکسیون به میان نیامده است" (بند ۵۸ حکم). مسلماً بانک در جریان صدور آنها از ایران نفوذی و در موضوع ممانعت از پسر آقای شات در صدور فرشها و عتیقه به خارج از کشور نقشی نداشته است. بدین ترتیب هر اشاره‌ای که احتمالاً خواهان درمورد این مشکلات صدور در نامه خود می‌کرد نه تنها بیهوده می‌بود بلکه بر درخواست وی برای کمک نیز بی‌جهت اثر منفی می‌بخشید. باتوجه به این زمینه من درک نمی‌کنم که اکثریت انصافاً چگونه می‌تواند از نامه شات استنباط معکوس به عمل آورد.

۱۳ - اکثریت پس از این حمله همه جانبه درباره موضوعات فرعی، خود را قانع می‌کند که ادعای اصلی خواهان را مبنی بر اینکه پاسداران انقلاب فرشها و اشیاء عتیقه وی را در انبار امسکو مصادره کرده‌اند منکوب کرده است. در واقع حکم پا را فراتر گذارده می‌گوید که "هیچ مدرکی نیز در پرونده برای اثبات این ادعا (ی خواهان) وجود ندارد" (بند ۵۹ حکم). معهذا علیرغم یک چنین گزافه‌گویی، این واقعیت به جای خود باقی است که در سوابق این پرونده شهادتنامه‌های مجاب‌کننده‌ای از دو شاهد در تأیید ادعای آقای شات مبنی بر اینکه فرشها و سرامیکهای وی به انبار امسکو

سپرده و بعداً" صادره شده وجود دارد. علاوه بر آن، در رد آنها هیچ مطلب معتبری ارائه نشده است. من نتیجه می‌گیرم که خواهان از عهده بار اثبات این ادعای خود برآمده که چنین سلب مالکیتی به دست پاسداران انقلاب رخ داده است.

دو

۱۴ - بنابراین سئوالی که باقی است این است که آیا دولت ایران مسئول این عمل پاسداران انقلاب خود می‌باشد یا خیر. دیوان قبلاً" نظر داده که دولت ایران مسئول سلب مالکیت از اموالی است که مسبب آن پاسداران انقلاب بوده‌اند. به عنوان مثال در حکم شماره ۱-۳-۱۱۶ مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۹ مارس ۱۹۸۴] صادره در پرونده ال پیرا اسوشی ایتس، ایران و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 198 Iran-U.S. C.T.R. 5 خواهان مدارکی ارائه داده بود مبنی بر اینکه پاسداران انقلاب محتویات دفتر و همچنین اتومبیل وی را صادره کرده بودند. دیوان نظر داد که "طبق حقوق بین‌الملل عمومی ایران باید مسئول اعمال پاسداران انقلاب شناخته شود" ص ۴۳ حکم شماره ۱-۲-۱۱۶ و 5 Iran-U.S. C.T.R. at 227. دیوان بابت ارزش اموال حکم غرامت صادر کرد.

۱۵ - به همین‌گونه، در بند ۴۳ حکم شماره ۱-۱۰۱۹۹-۳۲۴ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده کنت پی بیگر و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 92,104 Iran-U.S. C.T.R. 17 دیوان نظر داد که دیوان در سوابق موجود ادله کافی برای احراز این استنباط می‌یابد که "کمپته‌ها" یا "پاسداران" انقلاب بعد از ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ [۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷] در واقع از طرف دولت جدید عمل می‌کردند. ... و دولت جدید مسلمان" از این اعمال اطلاع داشته و مشخصاً بدانها اعتراضی نمی‌کرده است." دیوان نتیجه گرفت که اعمال اعضای پاسداران انقلاب که آقای بیگر و همسرش را مجبور کردند آپارتمان و متعلقات شخصی خود را در تهران

ترک کنند قابل انتساب به دولت ایران بوده است. دیوان اصولی را از پیشنویس مواد مربوط به مسئولیت دولت که به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل رسیده بود نقل کرد و نیز اشعار داشت که "طبق حقوق بین‌الملل ایران نمی‌تواند از یکطرف اعمال اختیارات دولت توسط "کمیته‌ها" یا "پاسداران" انقلاب را بپذیرد و در عین حال مسئولیت اعمال غیرقانونی را که آنها مرتکب شده‌اند انکار نماید. بند ۴۵ حکم شماره ۱-۱۰۱۹۹-۳۲۴ منتشره در Iran-U.S. C.T.R. at 105 و همچنین مرجع شود به ص ۴۴ حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱ مورخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۱۶] آوریل ۱۹۸۶] در پرونده کامپیوتر ساینسز کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 269,303 (که دیوان دولت را مسئول مصادره دفتر خواهان توسط اعضای کمیته انقلاب دانست).

۱۶ - گرچه در شهادتنامه تسلیمی پاسداران انقلاب در این پرونده انکار شده که پاسداران این انبار خاص متعلق به امسکو را اشغال کرده‌اند، از همان سند روشن است که پاسداران اغلب به اینگونه ساختمانها نیاز داشته و آنها را مورد استفاده قرار می‌دادند. شهادت دهنده آقای محمدخانی مدت بیش از هفت سال بعد از انقلاب عضو سپاه پاسداران بوده و می‌گوید که در تمام آن مدت "مسئولیت من... تهیه ساختمان و انبار جهت تأمین نیازمندیهای (سپاه) بود". وی همچنین روش کاری را که برای گرفتن اینگونه اموال وجود داشت توضیح می‌دهد. "اول... قسمتهای مختلف سپاه که به محلی از جمله انبار و غیره نیاز داشته مراتب را... اعلام می‌کردند، ... سپس واحد آقای خانی نیازها را بررسی می‌کرد و بالاخره آقای خانی اظهار می‌دارد که "پس از بررسی لازم به تناسب نیاز و باتوجه به موقعیت مکان و زمان... درصدد رفع نیاز برمی‌آمدم". این روش به طور ضمنی در یکی از لوایح پاسداران انقلاب در این پرونده تأیید شده است. سپاه پاسداران در لایحه خود به اظهارات خواهان مبنی بر اینکه اثاثه‌اش مصادره شده ایراد گرفته استدلال می‌کند که "اطلاق مصادره به اقدامات انتظامی و انضباطی مأموران دولت که... به ضرورت حفظ و

صیانت مال و منال عمومی رخ می‌دهد به هیچوجه صحیح نیست." همچنین یادآور می‌شوم که دیوان قبلا" در پرونده‌ای نظر داد که انبار خواهان توسط مأموران شناخته نشده دولت انقلابی گرفته شد و محتویات آن مصادره گردید. رجوع شود به صفحات ۱۹-۲۲ حکم شماره ۳-۵۴-۹۷ مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲ [۲۰] دسامبر ۱۹۸۳] منتشره در 212,221-23 Iran-U.S. C.T.R. 4 .

۱۷ - بنابراین روشن به نظر می‌رسد که تهیه فضای انبار توسط پاسداران، اعمال اختیارات دولت بوده و همچنین روشن است که استفاده پاسداران از انبارها به حد کافی معمول و گسترده بود به طوری که "دولت جدید (ایران) از عملیاتی از این دست و با این وسعت مطلع بوده است". بند ۴۴ حکم شماره ۱-۱۹۹-۳۲۴ صادره در پرونده بیگر منتشره در 104 Iran-U.S. C.T.R. at 17 . براین اساس، اعمال پاسداران در اعمال اینگونه اختیارات دولتی، قابل انتساب به ایران است و ایران نمی‌تواند "مسئولیت اعمال غیرقانونی" (پاسداران) را انکار نماید. بند ۴۵ همان مآخذ منتشره در 105 Iran-U.S. C.T.R. at 17 . درواقع آن نتیجه‌گیری در پرونده حاضر حتی روشن‌تر از مورد پرونده بیگر است زیرا سلب مالکیت مورد اشاره در پرونده بیگر، قبل از آنکه سپاه پاسداران انقلاب با صدور تصویبنامه مورخ ماه مه ۱۹۷۹ دولت به رسمیت شناخته شود، داده بود. برعکس، مصادره فرشها و اشیاء عتیقه توسط پاسداران در این پرونده، مدتها بعد از صدور آن تصویبنامه و تقریباً در همان موقعی که سپاه پاسداران با ماده جدید قانون اساسی ایران "نگهبان انقلاب" شناخته شد صورت گرفت. زیرنویس ۴ بند ۴۰ حکم شماره ۱-۱۹۹-۳۲۴ صادره در پرونده بیگر منتشره در 102 n.8. Iran-U.S. C.T.R. at 17 .

۱۸ - باتوجه به کلیه این دلایل، من نظر می‌دادم ایران باید بابت ارزش فرشها و اشیاء عتیقه خواهان در زمان مصادره توسط پاسداران انقلاب به خواهان غرامت بپردازد. مدارک کافی وجود دارد که بتوان ارزش آنها را به طور معقول تعیین کرد.

همانطور که متذکر شدم، ادعا عمدتاً مبتنی بر ارزیابی آقای سلیمانی است - که در استخدام شرکت خانواده‌ای بوده که مقدار اعظم کلکسیون را به نامبرده فروخته بود. حکم به درستی از شهادتنامه به قید سوگند آقای سلیمانی نقل می‌کند مبنی بر اینکه "من شخصاً" به دفعات زیادی هنگام چنین خریدهایی حضور داشتم" (بند ۳۴ حکم). آقای سلیمانی ارزش کلیه آن اقلامی را که از گالری خانواده وی خریداری شده بود تعیین کرده و آقای شات ارزش آن اقلامی را که از محل‌های دیگر خریداری کرده بود با استخراج قیمت‌ها از ارزشیابی آقای سلیمانی از اشیاء هنری مشابه خریداری از گالری سلیمانی تعیین کرد. برعکس، پاسداران انقلاب و دولت ایران که مسلماً به آسانی به کارشناسان متعدد عتیقه و فرش خاورمیانه دسترسی داشتند هیچگونه مدرکی درباره ارزشیابی ارائه ندادند. قصور آنها در تسلیم ارزیابی، ادعای آقای شات را علی‌الظاهر رد نشده می‌سازد و این استنباط قوی را ایجاد می‌کند که ارزشهای مورد ادعا معقول بوده است. براین اساس، من به مبلغی که آقای شات ادعا کرده راعی می‌دادم و ارزش آن اقلامی را که آقای سلیمانی ارزیابی نکرده بود و توصیف آقای شات از آنها آنقدر دقیق نبود که قیاساً بتوان ارزش اقلام مشابه را از ارزیابی آقای سلیمانی تعیین کرد، (۱) از آن کم می‌کردم.

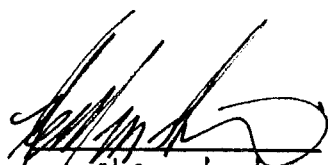
۱۹ - غرامتی که بابت فرشها و اشیاء عتیقه صادره شده مطالبه گردیده در مقام قیاس بزرگترین ادعای این پرونده است. ولی همانطور که حکم به تفصیل بحث کرده،

---

۱ - اینچنین کسر معقول در مبلغ ادعا با رویه معمول دیوان تأیید می‌شود. به عنوان مثال رجوع شود به بند ۵۷ حکم صادر در پرونده بیگر مذکور در فوق منتشره در 4 Iran-U.S. C.T.R. at 224 و همچنین به ص ۸ حکم شماره ۲-۲۲۰-۵۹ مورخ ۵ مردادماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳] صادره در پرونده اینترند اینترنشنال اینکورپوریتد و نیروی هوایی شاهنشاهی ایران و سایرین منتشره در 3 Iran-U.S. C.T.R. 110.

خواهان همچنین ادعا کرده که از سهام وی در چند شرکت ایرانی و از چندین حساب بانکی وی سلب مالکیت شده است. به عقیده من احتمال دارد که خواهان زمانی صاحب این علایق بوده و همچنین امکان دارد که از این علایق سلب مالکیت شده باشد. ولی من با نظر حکم موافقم که هیچیک از این ادعاها قابل پذیرش نیست. درمورد دو فقره از ادعاها - که مربوط به سهام و حسابهای بانک ایرانیان است - دیوان صلاحیت ندارد (بندهای ۴۴ و ۵۰ حکم). درمورد ادعاهای دیگر، حتی با توجه به اوضاع انقلابی ایران که مانع خواهان در جمع آوری مدارک بیشتر شد، خواهان اصولاً مدارک کافی برای توجیه نظر مبنی بر سلب مالکیت ارائه نداده است و بالاخره، خواهان ذیحق بودن خود را نسبت به حقوق و مزایای ترک خدمت و حقوق بازنشستگی که از بانک ایرانیان مطالبه کرده ثابت نکرده است. بنابراین با نظر حکم مبنی بر رد کلیه مابقی ادعاهای مطروح در این پرونده موافقم.

لاسه، به تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۶۸ برابر با ۱۴ مارس ۱۹۹۰.

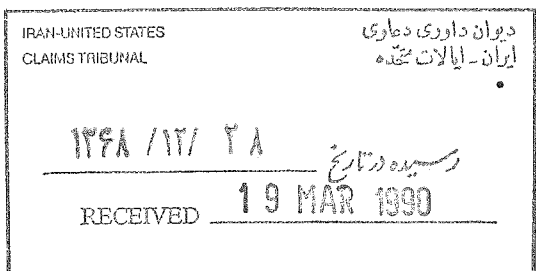


هوارد ام. هولترمن



Arrondissementsrechtbank te 's-Gravenhage

268-133



Aan Iran-United States Claims Tribunal  
Parkweg 13  
2585 JH 's-Gravenhage

verz. o.j. beantwoording deze gegevens te vermelden

kenmerk AJ/MvK/ATL

uw kenmerk

's-Gravenhage  
16 maart 1990.

bijlagen  
onderwerp DEPOT ARBITRAALVONNIS NR. 44/1990

Hiermede bericht ik u, dat het op 14 maart 1990 door uw Tribunal  
gewezen vonnis inzake:

AWARD NUMBER: 474-268-1,

op 16 maart 1990, onder nummer 44/1990  
te mijner griffie is nedergelegd.

Het verschuldigde griffierecht ad f.100,-- wordt van uw rekening-  
courant afgeschreven.

De griffier,

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحده

The following documents were served by the Registrar of the Iran-United States Claims Tribunal in accordance with the Tribunal's Declaration of the Government of the Islamic Republic of Iran concerning the claims by the Government of the Islamic Republic of Iran, 19, 1981

مدارک زیر بوسیله مدیر دفتر دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده بر طبق قواعد دادگاه راجع به ثبت دعوی در دادگاه و بهیرو بیانیه دولت متحده آمریکا در فصل دعوی دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران مسروح ۱۴ ژانویه ۱۹۸۱ ابلاغ میشود.

268-132E

Claim No. شماره پرونده	Chamber شماره شعبه	Parties طرفین	Documents مدرک	Docket No. شماره سند
268	3 Reassignment 1	Robert R. Schott, vs: Ministry of Mines and Industries of Iran, Ministry of Housing and Urban Development of Iran, Revolutionary Guard of Iran, Bank Markazi Iran, Islamic Republic of Iran,	Separat opinion of Howard M. Hlotzmann, filed on 14 Mar'. 1990 (7 Copies in Persian English)  نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمن، ثبت شده بتاريخ ۱۴/۱۲/۲۳ (۷ نسخه فقط انگلیسی)	132  ۱۳۲
۲۶۸	۲ انتقال یافته به شعبه ۱	رابرت آر-شات ، طیبه: وزارت صنایع و معادن ایران ، وزارت مسکن و توسعه روستائی ایران ، گارد انقلاب ایران ، بانک مرکزی ایران ، جمهوری اسلامی ایران ،		

Received by:

(name and signature)

Agent/Deputy agent of the Islamic Republic of Iran /  
Agent of United States of America

Authorized person acting on behalf of the Agent.

Date:

Certificate

I certify that, acting for and behalf of the Registrar of the Iran-United States Claims Tribunal, I have served the documents listed above on the aboved mentioned person.

Name and Signature  
Date:

R2:rev:2

ایران  
۹/۱۲/۲۳  
14 MAR 1990

دریافت شد:

(نام و امضاء)

نماینده رابط / قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران / ایالات متحده آمریکا

شخص مجاز از طرف نماینده رابط.

تاریخ:

گواهی

اینجانب گواهی می کنم که با داشتن اختیار نمایندگی از طرف مدیر دفتر دادگاه دعوی ایران - ایالات متحده مدارک مزبور در این برگ را به شخص مذکور در بالا تحویل دادم.  
نام و امضاء  
تاریخ:

۲:

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

71674

دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده

The following \_\_\_\_\_ served by the Registrar of the Claims Tribunal in accordance with the Tribunal's Declaration of the Government of the Islamic Republic of Iran, of Jan 19, 1981

268-132A

مدارک زیر بوسیله مدیر دفتر دادگاه داورى دعاوى ایران - ایالات متحده بر طبق قواعد دادگاه راجع به ثبت دعاوى در دادگاه و به پرو بیانیه دولت دمکراتیک جمهوری مردم الجزایر در ارتباط با حل و فصل دعاوى دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ابلاغ میشود.

Handwritten mark

Table with 5 columns: Claim No., Chamber, Parties, Documents, Docket No. Row 1: 268, 3 Reassignment, Robert R. Schott vs. Ministry of Mines and Industries of Iran, Ministry of Housing and Urban Development of Iran, Revolutionary Guard of Iran, Bank Markazi Iran, Islamic Republic of Iran. Row 2: ۲۶۸, ۳ انتقال یافت به شعبه ۱, رایب آرشات, وزارت صنایع و معادن ایران, وزارت مسکن و توسعه روستایی ایران, گارد انقلاب ایران, بانک مرکزی ایران, جمهوری اسلامی ایران. Documents: Separat opinion of Howard M. Hlotzmann, filed on 14 Mar'. 1990 (3 Copies in Persian English). نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمن، ثبت شده بتاريخ ۱۴/۱۲/۹۰ (نسخه فقط انگلیسی)

Handwritten signature

Received by:

(name and signature)

- Agent/Deputy agent of the Islamic Republic of Iran
Agent of United States of America

- Authorized person acting on behalf of the Agent.

Date:

14 MAR 1990

Certificate

I certify that, acting for and behalf of the Registrar of the Iran-United States Claims Tribunal, I have served the documents listed above on the aboved mentioned person.

Name and Signature

Date:

R2:rev:2

دریافت شد:

(نام و امضاء)

نماینده رابط / قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

ایالات متحده آمریکا

شخص مجاز از طرف نماینده رابط.

تاریخ: ۱۳۶۸ / ۱۲ / ۲۳

گواهی

اینجانب گواهی می کنم که با داشتن اختیار نمایندگی از طرف مدیر دفتر دادگاه دعاوی ایران ایالات متحده مدارک مزبور در این برگ را به شخصی مذکور در بالا تحویل دادم.

نام و امضاء تاریخ:

رد: